

نهادهای حکومت صفوی

نوشته ویلم فلور*

• نوشته: رودی ماته

• ترجمه: فرشید نوروزی**

فلور در دیباچه‌ای صریح و روشن (چه او تمایل پژوهشگران در استفاده از مباحث نظری بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اصیل را مورد انتقاد قرار می‌دهد) بیان می‌کند که اگرچه بررسی‌اش همانند روش بررسی مینورسکی در مورد تذکره الملوک شرحی است بر دستور الملوک، اما زمانی که او وسعت کار را درک نمود تصمیم گرفت بررسی مجزایی را در خصوص نهادهای حکومت صفوی بنویسد. در این اثر تمام مناصب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. (چراکه تعدادی از این مناصب در مقاله‌های مجزایی که پیش از این ارائه شده است و یا در آینده ارائه خواهد شد مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و یا قرار می‌گیرند) علاوه بر این، پاسخ به این سؤال که چرا در نیمه اول این بررسی در حالی که جایی برای نظام قضائی در نظر گرفته نشده است به طور عمده به سازمان ارتش پرداخته شده، بی‌پاسخ مانده است. با این وجود این بررسی مطالبی را در برمی‌گیرد که خلاصه موشکافانه‌ای از وقایع مبتنی بر منابع متعدد را ارائه می‌دهد.

نیمه نخست این اثر به بحث در خصوص دیوان‌سالاری مرکزی و ساختار ایالتی نهاد حکومت می‌پردازد. در این بخش مطالب آموزنده‌ای به خصوص در مورد اسامی بسیاری از مناصب فراموش شده موجود در منابع به صورت فهرست بلند بالایی از متصدیان مناصب مختلف نظامی و اداری در تمام دوره صفوی ارائه شده است. علاوه بر این، اطلاعات قابل توجهی در مورد کارکرد مناصب با عنایت کافی به تغییرات آن‌ها در طول زمان ارائه گردیده است. در ادامه، مطالبی درباره دیوان‌مالیه، استفاده از مهرها در رویه اداری، ترقی منصب مجلس‌نویس (کاتب شاه) به بهای تنزل منشی الممالک (کاتب مملکت)، این واقعیت که دیوان خاصه به طور کامل به دوره شاه اسماعیل برمی‌گردد، وظیفه داروغه محدود به حوزه خاصه بود و در نهایت این واقعیت که منصب بیگلر بیگی بسیار پیش‌تر از زمانی که مینورسکی گمان کرده بود وجود داشته است، ارائه می‌شود. نکته قابل توجه دیگری که به آن اشاره شده است،

- safavid Government Institutions
- Author: willem floor
- publisher: costa Mesa, Mazda publishers, 2001, 283pp. 29.95 \$

درآمد:

ویلم فلور یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران حوزه مطالعات صفویه‌شناسی است. او در این راستا پژوهش‌های مختلفی را به انجام رسانده است که هر کدام جایگاه شایسته‌ای در بین تحقیقات مربوط به این حوزه دارند. یکی از این آثار، نهادهای حکومت صفوی نام دارد که فلور در آن به بررسی مشاغل و مناصب ساختار دیوانی حکومت صفویه پرداخته است. این اثر که در سال ۲۰۰۱ م. به چاپ رسیده است از سوی رودی ماتی (Rudi Matthee)، یکی دیگر از پژوهشگران حوزه مطالعات صفویه‌شناسی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از آن جایی که معرفی این اثر برای علاقه‌مندان به تاریخ صفویه خالی از فایده نیست، نگارنده بر آن شد که این نقد و بررسی را به فارسی برگرداند.

این اثر که آن را باید در ادامه آثاری چون تذکره الملوک (سازمان اداری حکومت صفوی) از ولادیمیر مینورسکی و نظام ایالات در دوره صفوی نوشته میشل رُهر بَرُن (Michael Rohrborn) دانست به بررسی مناصب موجود در نهادهای اداری حکومت صفویه می‌پردازد. اگرچه شالوده این مبحث از سوی مینورسکی، رُهر بَرُن و پژوهشگران دیگری چون ژان اوبن و راجر سیوری بیان نهاده شد، اما با این وجود باید اذعان کرد که ویلم فلور نه تنها افزودنی‌ها و تصحیحات بسیاری را در خصوص آثارشان پیشنهاد کرده، بلکه مطالب بدیعی را نیز بیان نموده است.



► نمایی از نقاره‌خانه و بازارشاهی، اصفهان، نقاشی از یک سیاح اروپایی دوره صفوی



در بخش نخست کتاب ویلم فلور مطالب آموزنده‌ای به خصوص در مورد اسامی بسیاری از مناصب فراموش شده موجود در منابع به صورت فهرست بلند بالایی از متصدیان مناصب مختلف نظامی و اداری در تمام دوره صفوی ارائه شده است

متفکرانه‌ای از بسیاری از مناصب ارائه می‌دهد. البته مواردی که در بالا به آن اشاره شد به این معنی نیست که در این اثر ایراد و محل تردیدی وجود ندارد. نخست این‌که با تعجب باید گفت که بررسی منصب سپهسالار و فهرستی از مناصب در بخش مربوط به سازمان ارتش از قلم افتاده‌اند. دوم این‌که بررسی منصب قوللر آقاسی (فرمانده هنگ غلامان) نشان می‌دهد که این منصب بین سال‌های ۱۶۹۴-۱۶۹۹ م. در اختیار فتحعلی خان داغستانی بود. (بعدها موسی بیگ جان‌شین فتحعلی خان داغستانی شد.) سوم این‌که بحث نویسنده در صفحات ۲۴، ۲۵ و ۳۹ در خصوص این‌که قدرت وزیر اعظم در قرن شانزدهم محدودتر از قدرتش در قرن هفدهم نبوده است، به عنوان اظهار نظری نادرست و غیر قابل قبول به قوت خود باقی است. چهارم این‌که فلور در کتابش گاهی اوقات از تصاویر موجود در منابع نه چندان معتبر استفاده نموده است. به عنوان نمونه تصویری از استقبال هفتاد هزار تفنگچی از شاه در سال ۱۵۹۰ م. (ص ۱۸۱) را چاپ کرده است.

همانند بررسی مینورسکی و رهبرن، اثر حاضر کتابی مرجع محسوب می‌شود که ارزش آن بیشتر از مطالعه‌اش به هنگام خواب است. از این رو نشر این کتاب با جلد گالینگور آن را مناسب‌تر از طبع فعلی آن که با جلد شومیز است خواهد نمود. روی هم رفته، فلور به خاطر ارائه دانش عمیق و دقیق از موضوعاتی خسته‌کننده و بی‌روح که شرط لازم برای پژوهش بیشتر است، شایسته تقدیر است.

پی‌نوشت:

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Reviewed by: Rudi Matthee, In: Middle Eastern Journal, Washington: Summer 2002. Vol. 56, Iss. 3; p. 5410

** لازم به ذکر است در شماره ۷۳ مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، (صص ۶۱-۵۸) نیز مقاله کوتاهی در معرفی کتاب نهادهای حکومت صفوی نوشته ویلم فلور به چاپ رسیده است.

اهمیت فزاینده قورچیان (پاسداران قبیله‌ای)، به عنوان نمونه افزایش قدرت فرمانده آن‌ها «قورچی باشی» که مقام نظامی مهمی شده بود، است. مسائل دشوار بسیاری مانند وظایف خاص وکیل و تحول این مقام پس از دوران آغازین فرمانروایی صفویه و وظایف امیرالامرا یا حل شده است و یا دست کم روشن شده است. فلور هم‌چنین نظرها را به این واقعیت جلب نموده است که اگرچه قزلباشان در اواخر قرن شانزدهم میلادی تضعیف شدند، اما با این وجود آن‌ها تمام قدرت‌شان را از دست ندادند. او با این سؤال که در واقع چه اتفاقی افتاده است که نظام اداری متمرکزتر و فشرده‌تر می‌شود و رقابت سختی بین رقبای متعدد درمی‌گیرد، خواننده را با خود همراه می‌نماید. تمام این موارد به ابهام در کارکرد مناصب منتهی می‌شود. به عنوان نمونه اگرچه تاجیکان مقام وزیر اعظم را در طی یک قرن و نیم از حکومت سلسله صفویه در انحصار خود داشتند، اما در پنجاه سال پایانی این حکومت شاهد مجموعه پیوسته‌ای از صاحب‌منصبان قبایل هستیم که این مقام را در اختیار دارند. اگرچه اعضای دیوان عالی کشور به طور عمده از تاجیکان بودند، اما منصب مهاداری (نگهدارنده مهر) تقریباً به طور پیوسته در اختیار قزلباشان بود.

نیمه دوم این اثر به بررسی ارتش صفویه اختصاص دارد. این بخش نمای کلی چشمگیری هم از جزئیات ابعاد مختلف ساز و برگ نظامی ارتش، حیطة‌ای که لباس و مشق نظام تا موزیک همراه نبرد را دربرمی‌گیرد، و هم تحول آن طی دو قرن از ارتش قبیله‌ای متشکل از جنگجویان دست از جان شسته تا ارتشی بی‌تحرك، فاقد بودجه کافی و ناتوان در دفاع از قلمرو حکومت صفویه، ارائه می‌دهد. هم‌چنین این بخش به هنگام بحث در مورد پیشرفت‌های بسیار مهمی که در ارتش صفویه رخ داده است، واقعیت‌های بسیاری را ارائه می‌دهد. در خلال بحث در خصوص موارد دیگر، او به ما یادآوری می‌کند که ارتش صفویه از ابتدا تا انتها متکی به نیروهای ترکمن نبود، بلکه از گرجیان بیگانه نیز بهره می‌گرفتند. از آن جایی که فلور شناخت کاملی از منابع مورد استفاده‌اش دارد، شرح دقیق و